

بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی مرتبط با هویت جنسیتی دختران جوان: نمونه مورد مطالعه دبیرستان‌های ناحیه دو شهر شیراز

محمد تقی ایمان

استاد گروه جامعه‌شناسی، دانشکده اقتصاد، مدیریت و علوم اجتماعی دانشگاه شیراز

فاطمه حائری*

کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

چکیده

هدف اصلی این مقاله بررسی عوامل اجتماعی، فرهنگی مرتبط با هویت جنسیتی دختران در دبیرستان‌های ناحیه دو شهر شیراز بود. با استفاده از روش پیمایش و از طریق پرسشنامه، هویت جنسیتی ۴۰۰ نفر از دانش‌آموزان مقطع دبیرستان ناحیه دو شیراز بررسی شد. نمونه آماری مذکور به‌طور تصادفی انتخاب شدند. از روش‌های آماری آلفای کرونباخ برای پایایی ابزار سنجش و ضریب همبستگی پیرسون برای آزمون فرضیات استفاده شد. یافته‌های پژوهش نشان داد که بین متغیرهای میزان علاقه فرد به خانواده، نظر فرد نسبت به جایگاه زن در اجتماع و خانواده، علاقه به دوستان، اعتماد به رسانه‌های داخلی و هویت جنسیتی دختران رابطه معناداری وجود دارد. نتایج رگرسیون نشان داد که میزان انسجام و پایداری هویت جنسیتی مستقیماً تحت تأثیر متغیر علاقه به خانواده ($Beta = 0.206$) قرار گرفته است و در مجموع این متغیر توانسته است مقدار ۱۰ درصد از تغییرات متغیر وابسته هویت جنسیتی را پیش‌بینی کند ($R^2 = 0.10$). در مدل مسأله پژوهش، متغیر علاقه به خانواده به صورت مستقیم و غیر مستقیم بیشترین اثر علی را بر متغیر هویت جنسیتی داشته است.

واژگان کلیدی

هویت جنسیتی؛ جنسیت؛ طرح‌واره جنسیتی؛ نقش‌های جنسیتی؛ اعتماد بنیادین؛ خود پنداره؛ اندیشه قالبی

* نویسنده مسئول

تاریخ تصویب: ۱۳۹۱/۴/۱۸

تاریخ دریافت: ۱۳۹۰/۳/۲۱

مقدمه

جنسیت هر فرد به‌عنوان یکی از منابع بسیار مهم که باعث ایجاد شناخت فرد از خود می‌شود مورد اتفاق نظر اکثر اندیشمندان عرصه جامعه‌شناختی قرار دارد (پیازه^۱، ۱۹۶۲، تاجفل^۲، ۱۹۸۷، بورک^۳، ۱۹۹۱). بر اساس این مقوله اجتماعی، جمعیت انسانی به دو گروه زنان و مردان تقسیم می‌شود. پسر یا دختر بودن فرد پیامدهای مهمی در اغلب جنبه‌های زندگی او به شمار آید، از انتظاراتی که دیگران از او دارند گرفته تا رفتار اطرافیان با او و رفتار خودش. هرچند نتایج ناشی از نوع جنسیت بر فرد در جوامع گوناگون با هم فرق دارند، تقریباً تمام جوامع بر پایه تفاوت جنسیتی میان زن و مرد سازمان یافته‌اند (گرت، ۱۳۸۲).

تعریف مربوط به جنسیت بر می‌گردد به مجموعه‌ای از ایدئولوژی‌ها و هنجارها و باورهای قالبی جنسیتی که به مرور زمان از طریق فرایندهای مستمر اجتماعی از جمله جامعه‌پذیری و ایفای نقش شکل می‌گیرند و این امر خود باعث شکل‌گیری زمینه‌های هویت جنسیتی در فرد می‌شود (گروسی، ۱۳۸۴).

در این راستا یکی از مشکلات و معضلاتی که جامعه کنونی ما با آن مواجه است اختلال در هویت جنسیتی و از مهم‌ترین مشکلات جامعه زنان بحران در هویت و نقش‌های جنسیتی آن‌ها است (ساروخانی، ۱۳۸۳) که تأثیر ابزارهای فرهنگی و اجتماعی بر این مهم بسیار حائز اهمیت است.

هویت در لغت به معنای این همانی، شناسایی و همسان ساختن است. هویت احساسی است که فرد نسبت به استمرار حیات روانی خود دارد و یگانگی، وحدتی است که در مقابل اوضاع و احوال متغیر خارج، همواره در حالت روانی خود احساس می‌کند. ثبات هویت یکی از خصوصیات شخصیت انسانی است، در هر انسانی هویت زمانی هویدا می‌شود که انسان با جامعه دیگر، طرز تفکرهای گوناگون و نقش‌های جدیدی مواجه شود که به عهده می‌گیرد. مادام که تمایز در کار نباشد، انسان به ویژگی‌های خود آگاه نمی‌شود و هویت او شکل نخواهد گرفت (مافی، ۱۳۷۵).

1. Piaget
2. Tajfel
3. Burk



فرایند هویت‌یابی در جوامع سنتی عمدتاً منفعلانه و مبتنی بر عوامل انتسابی به ویژه جنسیت است و با معیارهای سنتی و نهادهای اجتماعی و فرهنگی، دینی و سیاسی شکل می‌گیرد که نظام‌های معنای مشخصی را تولید می‌کردند. اکنون با عرضه انبوه منابع اجتماعی و فرهنگی هویت آفرین و وسعت یافتن روابط اجتماعی و تعلقات گروهی و آزادی و استقلال نسبی افراد (مخصوصاً دختران) در خانواده، صوری فعالانه و غالباً آگاهانه و تأملی به خود گرفته است (ساروخانی، ۱۳۸۳). در چنین شرایطی، مطالعه تأثیر عوامل نهادی، ساختاری، فرهنگی از جمله خانواده، آموزش و پرورش، رسانه و ... به ویژه در کلان شهرها که در معرض جریان‌های نو سازی بوده‌اند، می‌تواند چگونگی تأثیر این نهادها در هویت‌سازی و شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران را نمایان کند.

اهمیت مسائلی چون بحران هویت اجتماعی و جنسیتی به ویژه در حیطه زنان و دختران دسته کم در چند دهه گذشته صاحب نظران عرصه روان‌شناسی و جامعه‌شناسی و مطالعات فرهنگی را به خود مشغول داشته است (گافمن، ۱۹۷۶؛ گیدنز، ۱۹۸۶؛ جنکینز، ۱۳۸۱). تحولات دهه‌های اخیر در زمینه‌های فرهنگی و عرصه‌های ساختاری به تعدد و تنوع و حتی گاه تعارض منابع هویت ساز منجر شده و گسترش نوگرایی و نو سازی در عرصه جهانی به بحران هویت در میان بسیاری از اقشار جامعه به ویژه جوانان و زنان دامن زده است (ساروخانی، ۱۳۸۳).

هویت جنسیتی بیش تر از هر گروهی برای جوانان و نوجوانان مسأله‌ساز است و در بین هویت‌های اجتماعی، هویت همسالان اهمیت ویژه‌ای برای آنها دارد، چراکه جوانان بیشتر اوقات خود را با یکدیگر و در حلقه دوستان و همسالان سپری می‌کنند و اجتماع دوستی، به عنوان شکل دیگری از اجتماع طبیعی (پس از خانواده) و با این حال، از مهم‌ترین انجمن‌های داوطلبانه به شمار می‌آید که روابط نزدیک و صمیمی و ایجاد دوستی به عنوان گونه‌ای از روابط دلبستگی در آنجا شکل می‌گیرد و موجب شکل‌گیری هویت گروهی و جنسیتی آنها می‌شود (چلبی، ۱۳۷۵).

1. Goffman
2. Giddens
3. Jenkins

هویت زنانه احساس و تصویری است که شخص از زنانگی خود دارد و شامل انتظاراتی می‌شود که به‌عنوان یک زن برای خود تعریف می‌کند و همچنین نقش جنسیتی شامل رفتارهای است که هر شخص برای آشکارسازی زن بودن خود بروز می‌دهد (بستان، ۱۳۸۳). گیدنز عقیده دارد که ما تصوراتی از خود داریم و دیگران تصوراتی از ما به ما می‌دهند. این دو تصور وقتی با هم پیوند می‌خورند دقیق‌تر می‌توانند تصور ما از خودمان را روشن کند (گیدنز، ۱۳۷۸).

هربرت مید گفته است: «ما مفهوم خود را از طریق تماس با دیگران پیدا می‌کنیم، ارتباطات اجتماعی ما را به کسب مفهوم هویت شخصی از خودمان نائل می‌کنند» (ریتزر، ۱۳۷۴: ۲۷۴). در این زمینه ضرورت می‌یابد بستر و فضایی شناخته شود که در آن هویت فرد شکل می‌گیرد. از آنجا که هویت شرط لازم زندگی اجتماعی است و برقراری ارتباط معنادار و مستمر افراد با یکدیگر و با جامعه بدون آن ممکن نیست، تبیین فضای این شناخت از خود مورد توجه اکثر اندیشمندان عرصه جامعه‌شناسی قرار گرفته است.

این مقاله علل و عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با هویت جنسیتی دختران دانش‌آموز ناحیه دو آموزش و پرورش شهر شیراز را بررسی کرده است.

سؤالات اساسی که این پژوهش را درگیر کرده عبارت هستند از: آیا خانواده بر شکل‌گیری هویت جنسیتی در فرد تأثیر مستقیم دارند؟ این هویت جنسیتی به چه شکل در افراد نمود پیدا می‌کند؟ چه عوامل فرهنگی جامعه‌شناختی و ساختاری بر شکل‌گیری هویت جنسیتی در فرد اثر می‌گذارد؟ رسانه به‌عنوان یکی از ابزارهای فرهنگی و همه‌گیر در زمینه بروز هویت جنسیتی از سوی دختران چه نقشی ایفا می‌کند؟

این مقاله برای پاسخگویی به سؤالات مذکور به بررسی عوامل اجتماعی و فرهنگی مرتبط با هویت جنسیتی دختران دانش‌آموز ناحیه دو آموزش و پرورش شهر شیراز اقدام کرده است. در این راستا اهداف جزئی‌تری مد نظر بود.

- بررسی تأثیر میزان علاقه دختران جوان به خانواده به‌عنوان یک مؤلفه اجتماعی تأثیرگذار

بر هویت جنسیتی

- بررسی تأثیر دیدگاه دختران جوان نسبت به جایگاه زن در اجتماع بر هویت جنسیتی

- بررسی تأثیر دیدگاه دختران جوان نسبت به جایگاه زن در خانواده بر هویت جنسیتی



- بررسی تأثیر رسانه‌های داخلی بر هویت جنسیتی دختران جوان
- بررسی تأثیر علاقه دختران جوان به دوستان بر هویت جنسیتی او

مروری بر پژوهش‌های انجام شده

احمدی و همکاران در سال ۱۳۸۹، در پژوهشی با هدف بررسی رابطه وسایل ارتباطی نوین با هویت جنسیتی جوانان شهر شیراز، در میان نمونه ۳۶۸ نفری دانش‌آموزان دختر و پسر نواحی چهارگانه شهر شیراز، دریافتند که بین کاربرد اینترنت و تلفن همراه با منطقه محل تحصیل و بین جنس و استفاده از اینترنت رابطه معناداری وجود داشته، اما همزمان رابطه‌ای معنادار بین استفاده از تلفن همراه و جنسیت پاسخگویان وجود نداشته است و در عین حال بین استفاده از اینترنت و هویت جنسیتی در میان پسران رابطه وجود داشته است.

حسین‌زاده و همکاران (۱۳۸۸) در مطالعه خود با هدف بررسی عوامل مؤثر بر هویت اجتماعی دانشجویان دختر دانشگاه شهید چمران سعی داشته‌اند تا هویت اجتماعی را در بستر تغییرات و تحولات گذار فرهنگی بررسی کنند. بدین منظور با استفاده از نمونه‌گیری طبقه‌ای ۲۵۴ دانشجویی دختر دانشگاه اهواز را انتخاب کردند و با کاربرد روش پیمایش تأثیر متغیرهای پایگاه اجتماعی و اقتصادی، تحصیلات والدین، میزان دینداری و نگرش به اشتغال را در ارتباط با هویت اجتماعی سنجیدند. در تحلیل داده‌های متغیر ذکر شده در مجموع ۵۶٪ از تغییرات متغیر ملاک را تبیین کردند.

حسین قائمی‌فر و همکاران در سال ۱۳۷۸، در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر خانواده بر شکل‌گیری هویت جنسیتی دختران دانشجوی دانشگاه پیام نور جهرم، که به صورت پیمایشی در میان ۳۸۴ نفر از دانشجویان انجام دادند؛ به این نتیجه دست یافتند که بین متغیرهای تبعیض جنسیتی، تقسیم کار در خانواده، هرم قدرت در خانواده و پایگاه اجتماعی و اقتصادی با متغیر هویت جنسیتی (سستی/مدرن) همبستگی بالایی وجود دارد. بدین ترتیب که هرچه تبعیض جنسیتی شدیدتر، تقسیم کار جنسیتی در خانواده سستی‌تر، هرم قدرت در خانواده سستی‌تر و پایگاه اقتصادی پایین‌تر باشد هویت دختران نیز به صورت سستی‌تر شکل گرفته است. ضریب تعیین در این پژوهش ۷۸٪ بوده است بدین معنا که متغیرهای مستقل ۷۸ درصد از واریانس متغیر هویت جنسیتی را تبیین کرده‌اند.

سیف الهی و رازقیان در سال ۱۳۸۷، در پژوهشی تحت عنوان عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت جنسیتی زنان در ایران تلاش کردند تا با بررسی عوامل متفاوت اجتماعی مؤثر بر هویت جنسیتی زنان به درک آن‌ها از جنسیت و هویت خود دست یابند در این پژوهش برای بررسی موضوع از روش‌های اسنادی و پیمایشی و مطالعه میدانی و همچنین مصاحبه استفاده شده است. جامعه مورد نظر کلیه زنان ۲۰-۴۰ ساله مراجعه کننده به کتابخانه‌های عمومی شهر تهران در نظر گرفته شده که حجم نمونه ۳۳۰ نفر و شیوه نمونه‌گیری طبقه‌ای دو مرحله‌ای تصادفی بوده که نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که با افزایش سن، هویت جنسیتی زنان بیشتر تحت تأثیر روابط و مناسبات پدر سالاری است و با کاهش آن هویت زنان بیشتر تحت تأثیر روابط و مناسبات سرمایه‌داری است.

عریضی و همکاران در سال ۱۳۸۵، در پژوهشی نقش ماهواره و هویت جنسیتی دختران جوان را بررسی کردند. این پژوهش به صورت پیمایشی و با ابزار سنجش پرسشنامه در میان دانش‌آموزان دختر دبیرستان‌های منطقه ۵ آموزش پرورش تهران در سال تحصیلی ۸۴-۸۵ انجام شده است. نتایج حاصل از این پژوهش شامل این نکات می‌شود: ۵۸ درصد پاسخگویان در منزل ماهواره داشته‌اند و از آن استفاده می‌کنند و همچنین آزمون فرضیات نشان می‌دهد که بین وجود ماهواره در منزل و هویت جنسیتی رابطه وجود دارد و افراد دارای ماهواره از سازه هویت جنسیتی نمره کمتری دریافت کرده‌اند که نشان دهنده تغییر رفتارها و نگرش‌ها به سمت الگوها و نگرش‌های جدید است. بین میزان استفاده از ماهواره و هویت جنسیتی نیز رابطه تأیید شد. در مدل تحلیل مسیر با وارد کردن همه متغیرها، انگیزه استفاده از ماهواره بالاترین نقش را در تعیین متغیر وابسته ایفا می‌کند و متغیرهای پایگاه خانواده، نوع رسانه در دسترس در تبیین متغیر وابسته نقش کمتری داشته‌اند (عریضی و همکاران، ۱۳۸۵).

رفعت جاه در سال ۱۳۸۵، در پژوهشی دیگر تأثیر اینترنت را بر برخی از ابعاد هویت اجتماعی (از جمله، هویت دینی، خانوادگی، قومی، جنسیتی) بررسی کرد. روش این پژوهش به صورت پیمایشی بود و این مطالعه در شهر سنندج در میان دو گروه از دختران اجرا شد؛ دخترانی که از اینترنت استفاده می‌کردند و آن‌هایی که از اینترنت استفاده نمی‌کردند. نتایج این پژوهش نشان داد که میان دو گروه مذکور به لحاظ هویت دینی و قومی و هویت خانوادگی و هویت جنسیتی تفاوت معناداری وجود دارد. هویت دینی و قومی و حتی خانوادگی در گروه



اول (استفاده کنندگان از اینترنت) ضعیف‌تر از گروه دوم بوده و همچنین هویت جنسیتی و شخصی و خود انگاره افراد در گروه اول ضعیف‌تر از گروه دوم نمود پیدا کرده که به عقیده محقق این امر ناشی از کاهش تأثیرکانال‌های سنتی در فرایند هویت‌سازی دختران و همچنین بیان‌کننده تحول کیفی در مؤلفه‌هایی هویت‌یابی در عصر جدید است که اغلب خارج از کنترل مراجع سنتی و غیر رسمی (خانواده و دین، قومیت) و ساختارهای رسمی (نهادهای متولی نظارت اجتماعی و برنامه‌ریزی فرهنگی) است. در آخر نتیجه حاصل از این پژوهش بیان‌کننده این نکته است، که با وجود تلاش نهادهای سنتی رسمی و غیر رسمی در هدایت هویت‌های فردی و اجتماعی، استفاده از اینترنت بر ابعاد مختلف هویت اجتماعی افراد مورد مطالعه تأثیر تعیین‌کننده‌ای می‌گذارد (رفعت‌جاه، ۱۳۸۷).

پری پژوهشی را با موضوع بررسی تأثیر مستقیم کلیشه‌های جنسیتی و تصورات غالب موجود درباره هویت جنسیتی بر خود‌پنداره مثبت دختران از خود انجام داد. این پژوهش در میان ۳۰۵ دختر با میانگین سنی ۱۲ سال انجام شده است. ابزار سنجش در پروژه پژوهش پرسشنامه بود که در سه مرحله به آن‌ها عرضه شد. سؤالات پرسشنامه عمدتاً پیرامون انواع کلیشه‌های جنسیتی موجود در جامعه درباره زنان بود، که در جهت سامان‌دهی به رفتارهای فرد در جامعه استفاده می‌شود، نتایج حاصل از این پژوهش بیان‌کننده این قضیه است که نقش هویت جنسیتی در سازگاری شخصیت فرد و پذیرش کلیشه‌های جنسیتی موجود در جامعه بسیار حائز اهمیت است و اگر این رابطه در جهت سازگاری فرد با ارزش‌های موجود در جامعه باشد در نهایت باعث بروز خود‌پنداره مثبت از خود در فرد خواهد شد (پری، ۲۰۰۷).

پریر پژوهشی را با موضوع تأثیر رسانه بر هویت جنسیتی دختران جوان انجام داده است. پریر عقیده دارد که بین هویت جنسیتی زنان طبقه متوسط در جامعه شهر لندن و شناختی که از خود به‌عنوان یک زن در جامعه دارند و میزان استفاده آن‌ها از رسانه‌های ارتباط جمعی رابطه معنادار وجود دارد. ابزار سنجش در پژوهش، که با رویکرد کیفی صورت گرفته، مصاحبه عمیق با ۵۰ نفر از دختران جوان شهر لندن است که میانگین سنی آن‌ها ۱۸ سال است. یافته‌های حاصل از این پژوهش به این نکته اشاره دارد که هر چه میزان مصرف دختران جوان از رسانه‌ها بالاتر می‌رود، رضایت آن‌ها از هویت جنسیتی آن‌ها کاهش می‌یابد. چرا که به عقیده

پریر اکثر برنامه‌های رسانه‌ها در جهت دلسرد کردن دختران از داشتن حقوق برابر با مردان برنامه‌ریزی شده است. و به صورت منطقی آن‌ها را قانع خواهد کرد که حتی در جامعه پیشرفته غربی چون انگلیس هم جای امیدی برای استیفای حقوق برابر زنان با مردان وجود ندارد (پریر^۱، ۲۰۰۶).

کامرون در پژوهشی تحت عنوان «هویت اجتماعی جنس‌گرای مدرن و ادراک تبعیض فردی و گروهی در میان زنان و مردان» سعی کرد تا نشان دهد چگونه در نقد ایدئولوژیک رابطه مستقیم پایگاه و قدرت میان زنان و مردان به تغییرات اجتماعی منجر می‌شود. ادراک تبعیض و واپسماندگی در سیاست‌گذاری هویتی، که زیر بنای فمینیسم و سایر جنبش‌های اجتماعی است، نقشی کلیدی به عهد دارد. به هر حال روان‌شناسی اجتماعی بر این نکته صحه می‌گذارد که عضویت فرد در یک گروه جنسیتی (زن و مرد) هویت او را شکل می‌بخشد. در این پژوهش کامرون در پی بیان تأثیر هویت اجتماعی و جنس‌گرایی مدرن بر ادراکات افراد از تبعیض فردی و گروهی است. این پژوهش در میان ۳۲۱ دانشجوی کوئزلند استرالیا انجام شده است. آزمودنی‌ها در گروه‌های مختلط ۱۰-۱۵ نفره به تکمیل پرسشنامه حاوی سؤالاتی چون تبعیض جنسیتی و هویت اجتماعی و جنس‌گرای و عزت نفس و ایدئولوژی نقش جنسیتی و اقدام کردند. نتایج پژوهش او نشان داد که ادراکات و گزارش تجارب تبعیض آلود چه در سطح فردی و چه در سطح گروهی به سختی با نظریه‌های موجود فمینیستی همخوانی پیدا می‌کند (کامرون^۲، ۲۰۰۱).

مطالعه دیگری را جرج ریکزر، استاد رفتارشناسی دانشگاه کارولینای شمالی، با عنوان تأثیر عوامل خانوادگی بر اختلالات هویتی انجام داده است. نتایج پژوهش او، که در میان ۶۰ پسر و دختر نوجوان مرکز سلامت جسمانی انجام شده، این‌گونه است: ۸۰ درصد مادران و ۴۵ درصد پدران این نوجوانان مشکلات جسمانی داشتند، ۶۷ درصد پدران آن‌ها در خانه حضور نداشته و داده‌های حاصل از آن پژوهش حاکی از آن است که دختران نوجوان عزت نفس کمتری داشته و توانایی‌ها و خصوصیات فیزیکی خود ارزیابی منفی نسبت به پسران دارند (سیف‌الهی، ۱۳۸۷).

1. Perrier
2. Cameron



مبانی نظری پژوهش

هویت را می‌توان در مفهوم عام آن، از دو منظر روان‌شناختی و جامعه‌شناختی بررسی کرد. از دیدگاه روان‌شناختی در جهت تبیین مراحل رشد ذهنی در ابتدای زندگی و شکل‌گیری مفهوم خود^۱ بسیاری از روان‌شناسان را متوجه پدیده‌ای به نام هویت کرده است. از طرف دیگر به دلیل شرایط خاص اجتماعی و گذار جوامع اروپایی از یک دوره ما قبل صنعتی به عصر صنعتی و بروز مشکلات عدیده جامعه‌شناختی در این جوامع، جامعه‌شناسان نیز چه به صورت فردی و چه به صورت اجتماعی به این مسأله توجه کرده‌اند. در این قسمت ابتدا موضوع هویت از دیدگاه روان‌شناختی و در قسمت دوم نظریات جامعه‌شناختی در باب هویت بررسی می‌شود.

جیمز^۲، یکی از بنیان‌گذاران روان‌شناسی، خود را به دو بخش تقسیم کرده است من فاعلی و من مفعولی. من مفعولی مجموعه آن چیزی است که شخص می‌تواند آن را مال خود بداند و شامل توانایی‌ها، خصوصیات اجتماعی و شخصیتی و تعلقات مادی است. و من فاعلی خود آگاهانه است، بر طبق تحلیل جیمز این جنبه خود، دائماً تجارب مردم، اشیاء و وقایع را به نحوی کاملاً ذهنی سازمان می‌دهد و تفسیر می‌کند. به عبارت دیگر من فاعلی در خود تأمل می‌کند و از طبیعت خود با خبر است (جیمز، ۲۰۰۲).

طبق تغییرات کلی که پیاژه^۳ و سایر نظریه‌پردازان روان‌شناختی متذکر شدند، که نظام خود نوجوان از نظام خود کودک خردسال مشخصاً انتزاعی‌تر و پیچیده‌تر و منسجم‌تر است. نوجوانان به هنگام توضیح دادن درباره من مفعولی به همان اندازه تأکید بر خصوصیات روان‌شناختی یکپارچه، ثابت و درونی خود، بر عقاید و افکار و احساسات تأکید می‌کنند؛ احساسات نوجوانان تداوم دارد و برای توصیف خود برداشت خویش درباره خود کنونی و آینده خود را با هم یکی می‌کنند، حال آنکه کودکان خردسال‌تر به هنگام توصیف خود به وضعیت و کارهایی اکتفا می‌کنند که در زمان حال انجام می‌دهند. در همین موقع در نوجوان اعتقاد بارزتری نسبت به من فاعلی و قدرت اراده ایجاد می‌شود.

1. Self
2. James
3. Piaget

نظریه یادگیری اجتماعی با تأکید بر تقلید و مدل‌سازی و تقویت جایگزینی به منظور تبیین اکتسابی بودن نقش‌های جنسیتی کار خود را آغاز می‌کند (احمدی، ۱۳۸۹). بنابراین نظریه، فرد با مشاهده رفتار اطرافیان رفتار مناسب جنسی از خود بروز می‌دهد و با دریافت پاداش برای تأیید رفتار جنسی متناسب انجام شده، کودکان می‌کوشند تا با رفتار مناسب برای خودشان پاداشی دسته اول تجربه کنند (میشل^۱، ۱۹۶۶). بر اساس نظریه یادگیری، فرد رفتارهای مشخصی را از طریق جامعه‌پذیری درخویش درونی می‌کند و آن‌ها را به خوبی فرامی‌گیرد، ولی باید توجه داشت که این رفتارها به گونه‌ای منظم با طبقه‌بندی بر اساس برچسب‌های دختر و پسر سازمان دهی می‌شوند. این نظریه با تأکید بر اهمیت یادگیری دیداری و تقلید، برای تقلید از الگوهای ارائه شده توسط هم‌جنسان اهمیت زیادی قائل است (دویله و پالودی^۲، ۱۹۹۸). شرایط اجتماعی کودکان را با مثال‌هایی از الگوهای مردانه و زنانه مواجه می‌کند که به شکل متفاوت رفتار می‌کنند. خانواده و رسانه از جمله مهم‌ترین ارائه دهندگان الگوی جنسیتی محسوب می‌شوند، کودکان با مشاهده این الگوها در موقعیت یادگیری نقش‌های جنسیتی قرار می‌گیرند (خسروی، ۱۳۸۲).

کولبرگ^۳ اصول اساسی رشد شناختی پیاژه را وارد مبحث جنسیت کرد، از نظر او برای دستیابی به مؤلفه هویت جنسیتی عبور از سه مرحله الزامی است:

۱- دستیابی به مفهوم هویت جنسیتی: این مرحله در حدود دو سالگی در فرد رخ می‌دهد، که در این شرایط کودک درباره جنسیت خود به تشخیص‌های می‌رسد. در این مرحله کودک به خود و دیگران برچسب دختر یا پسر می‌زند، اما تصویری از ثبات جنسیت در خود ندارد، بلکه تصور می‌کند با تغییر ظاهر افراد از جمله نحوه لباس پوشیدن ممکن است جنسیت آن‌ها نیز تغییر کند.

۲- درک پایداری جنسیتی: این مرحله در مقطع سن ۴ - ۳ سالگی شروع می‌شود. اگرچه کودک در این مرحله درک می‌کند فردی که الان زن یا مرد است قبلاً هم زن یا مرد بوده، اما هنوز تصور می‌کند با تغییر موقعیت نظیر تغییر نوع بازی ممکن است جنسیت افراد نیز تغییر کند.

1. Mischel
2. Doyle & Paludy
3. Kohlberg



۳- مرحله ثبات جنسیت: این مرحله در حدود سن ۷-۶ سالگی آغاز می‌شود و کودک درک می‌کند که جنسیت مقوله‌ای است که الزاماً ثابت است و در هیچ شرایطی تغییر نمی‌کند از نظر کولبرگ تثبیت جنسیت در این مرحله فرد را به کسب نقش‌های جنسیتی و ارزش‌گذاری رفتارها و نقش‌های جنسیتی هدایت می‌کند (خسروی، ۱۳۸۲). بر اساس نظریه طرح‌واره جنسیتی که در نتیجه گسترش نظریه رشد شناختی توسعه یافت، طرح‌واره، ساختاری شناختی و شبکه‌ای ارتباطی است که ادراکات فرد را سازمان‌دهی و هدایت می‌کند (گولومبوک، ۱۳۷۷). رفتارهای جنسیتی در کودکان به علت شکل‌گیری طرح‌واره‌هایی پدید می‌آید که آن‌ها را به سوی چنین رفتارهایی سوق می‌دهند، فرهنگ در رشد جنسیت فرد نقشی مهم بر عهده دارد و این نقش از طریق ایجاد بستری برای شکل‌گیری طرح‌واره‌های جنسیتی آشکار می‌شود، لذا دختران از پنج سالگی و بعد از آن تدریجاً شروع به کمک کردن به مادر خود می‌کنند و بیشتر وقت خود را با آن‌ها می‌گذرانند (چودرو، ۱۹۷۴: ۵۵). یک زن با پا گذاشتن جای پای مادرش زن شده است (روزالدو، ۱۹۷۴: ۲۸). پس دختران از این طریق فرایند کدگذاری و پردازش اطلاعات مربوط به جنسیت و رفتارهای جنسیتی را در یک محیط فرهنگی یاد می‌گیرند (ساروخانی، ۱۳۸۳: ۷۸). کودک در مواجهه با اطلاعات جنسیتی پیرامون خود معمولاً اطلاعات ناهماهنگ با طرح‌واره ذهنیتی خود را کنار می‌گذارد و تنها به اطلاعات همخوان با مجموعه ذهنی خود توجه می‌کند (بارلت، ۱۹۹۶). بدین ترتیب با مقایسه دو رویکرد نظریه رشد شناختی و نظریه طرح‌واره جنسیتی می‌توان چنین نتیجه گرفت که در نظریه رشد شناختی، فرایند تحول هویت جنسیتی از فرایند تحول شناختی تبعیت می‌کند و بر مبنای این موضوع کودکان نقش‌های جنسیتی خود را اکتساب می‌کنند، اما در نظریه طرح‌واره جنسیتی، زمینه‌ساز اکتساب هویت جنسیتی هنجارهای اجتماعی و طرح‌واره‌هایی است که فرهنگ و جامعه برای هر فرد مناسب تشخیص می‌دهند، در این دیدگاه مجموعه‌ای از طرح‌واره‌های هویت جنسیتی ساختار هویت جنسیتی فرد را تشکیل می‌دهد. بر پایه نظریه‌های بیان شده در آخر عمدتاً فمینیست‌ها به این رهیافت دست می‌یابند که کلیه نظریات مربوط به

1. Chodrow
2. Rozaldo
3. Barlett

جنسیت، بر ساخته‌ای کاملاً اجتماعی بنا شده که روابط متقابل اجتماعی در شکل‌گیری آن و نقش‌های اختصاصی هر یک از دو جنس، نقش اصلی و اساسی به عهده دارند.

اساس نظریات فمینیستی مخالفت با نابرابری‌ها و تبعیض‌های میان زن و مرد است که تا آنجا پیش می‌رود که دست به انکار هویت جنسیتی متمایز کننده زن از مرد می‌زدند (دونوان^۱، ۲۰۰۰؛ فریدمن^۲، ۲۰۰۱). مارکسیست‌ها از جمله کارل مارکس بر این نظر بودند که تفکر و شخصیت و هویت انسان در نتیجه روابط انسان‌ها بر مبنای چرخه کار و تولید ایجاد می‌شود، در همین راستا فوکو بر این اعتقاد بود که ساختارهای موجود در جامعه شخصیت تحمیلی به انسان می‌دهند و انسان قبل از ورود به ساختارها شخصیتی ندارد و انسان در برابر ساختاری که دنیای مدرن برای او تعریف می‌کند هیچ‌گونه قدرت گزینش‌گری از خود نخواهد داشت و هویت انسان در مواجهه با ساختاری شکل می‌گیرد که نظام سلطه از ساحت اقتصادی و فرهنگی، سیاسی، آموزشی برای او تعریف می‌کند و بر این اساس است که سیمون دوبوار، یکی از متفکران مکتب فمینیست در قرن حاضر، بیان می‌کند آدمی زن زاده نمی‌شود: آدمی زن می‌شود. او بر این نکته تأکید دارد که آدمی ممکن است یک مؤنث از نژاد انسان زاده شود، اما این تمدن است که زن می‌آفریند و تعریف می‌کند رفتار زنانه چیست و از پیش تعیین می‌کند که زنان چگونه باید رفتار کنند و چگونه رفتار می‌کنند (فریدمن، ۱۳۸۱). اکلی با تمایز قائل شدن میان جنس و جنسیت دلیل می‌آورد که جنس واژه‌ای است که به تفاوت‌های زیست‌شناختی میان زن و مرد اشاره دارد: تفاوت مشهود در اندام جنسی، تفاوت‌های مربوط به آن در عمل تولید مثل. اما به نظر او جنسیت مسئله‌ای است فرهنگی و در جهت طبقه‌بندی اجتماعی مذکر و مؤنث بودن است. چودرو معتقد است که یادگیری احساس مذکر و مؤنث بودن یکی از نخستین تجربیاتی است که از دل‌بستگی کودک به مادرش ناشی می‌شود. این دل‌بستگی برای به‌دست آوردن یک حس جداگانه از خود باید در مرحله‌ای گسسته شود. این فرایند گسستگی برای پسران و دختران به شیوه‌ای متفاوت رخ می‌دهد، دختران مدت طولانی‌تری نسبت به پسران به مادر خود وابسته باقی می‌مانند و این امر سبب شکل‌گیری فرایندی می‌شود که آن‌را باز تولید مادری می‌نامند (گیدنز، ۱۳۸۷). به نظر او پسرها به علت تفاوت جنسی با مادر، خیلی

1. Donovan
2. Freedman



سریع خود را از او جدا می‌کنند. در این شرایط دخترها خود پندارهٔ ارتباطی پیدا کرده و خود پندارهٔ پسرها بر اساس فردیت و استقلال شکل می‌گیرد، خود پندارهٔ زنان بر اساس مسئولیت پرورش‌دهندگی، مراقبت، از خود گذشتگی و روابط بین فردی شکل می‌گیرد (ساروخانی، ۱۳۸۳).

چارچوب نظری این مقاله بر دیدگاه جنکینز مبتنی است. او دربارهٔ هویت شخصی و جنسیتی و اجتماعی نظریه‌پردازی کرده و همواره تلاش داشته در تحلیل هویت بر شکاف میان فرد و جامعه و کنش و ساختار پل بزند و فرایند هویت‌یابی و هویت‌سازی در دوران مدرن را با در نظر گرفتن تأثیرات دو سویهٔ افراد و ساختارهای اجتماعی تبیین کند. ریچارد جنکینز با الهام از افکار مید و گافمن و بارث بر این باور است که برای درک و فهم هویت‌های فردی و جمعی، اجتماعی و جنسیتی می‌توان از یک الگوی هویت‌شناسی واحد استفاده کرد. در این الگو هویت دارای دو وجه «بیرونی» و «درونی» است که پیوسته با یکدیگر در تعامل هستند. به عقیده او هویت هر فرد آن چیزی است او را شبیه خودش و متمایز از دیگران می‌کند. لذا می‌توان گفت که هویت اجتماعی دستاوردی عملی، یعنی فرایند است و همچنین فهم هویت‌های اجتماعی و فردی، جنسیتی و جمعی از طریق به‌کار گرفتن کنش متقابل دیالکتیکی درونی، بیرونی امکان‌پذیر است (جنکینز، ۱۳۸۱؛ ۱۰۳). با توجه به دیالکتیک درونی - بیرونی شناسایی، که مد نظر جنکینز است، می‌توان چنین گفت: که آنچه مردم درباره ما می‌اندیشند از آنچه که ما دربارهٔ خودمان می‌اندیشیم، اهمیت کمتری ندارد و این کافی نیست که شخص بر هویت خود تأکید می‌کند، اشخاصی که ما با آن‌ها سرو کار داریم باید آن هویت را معتبر بدانند. از نظر جنکینز جنسیت^۱ فقط آشکارترین وجه هویت فردی است، که در تعامل فرد با دیگران ساخته می‌شود، تعیین جنسیت اغلب بدون این که نوزاد در آن هنگام به آن معرفت پیدا کند از همان روز اول آغاز می‌شود. تفکیک جنسی که به‌طور اجتماعی از تفاوت‌های زیستی ساختار گرفته است، وجه رایج همهٔ جوامع انسانی است. ممکن است مشخصه‌ها و ویژگی‌های آن از یک محل تا محل دیگر متفاوت باشد منتهی در همه جا تفکیک جنسی وجود دارد. افراد از همان آغاز کار نوزادان را بنا به جنس آن‌ها تعریف می‌کنند و از همان آغاز کسب آگاهی تعاملی محیطی که نوزادان در آن می‌زیند، اغلب بنا به جنس آن‌ها ساختار می‌یابد.

کودکان خیلی زود به شناسایی تجسم یافته‌ای از خودشان بر مبنای جنسیت دست می‌یابند (جنکینز، ۱۳۸۱). به عقیده جنکینز، جنسیت پیش از آنکه اصلی مربوط به شکل بندی گروه باشد، یک هویت جمعی مربوط به رده بندی اجتماعی است، یعنی همواره از نظر بیرونی تعریف شده است. بنابراین آگاهی رده بندی‌های گروهی به‌ویژه رده بندی مبتنی بر جنسیت که شالوده نقش‌ها و هویت‌های اجتماعی هستند، چه در خانواده، چه در نهادهای شغلی و آموزشی چه در زمان و تعبیری که از آن دارند، به موقعیت ساختاری زنان و منابع مادی و فرهنگی آن‌ها وابسته است (جنکینز، ۱۳۸۱).

نکته حائز اهمیت در این دیدگاه آن است که اگرچه همواره هویت‌های جمعی و اجتماعی ساختار انعطاف‌پذیر و بی‌ثباتی داشته‌اند، ولی به دلیل غلبه عامل بیرونی شناسایی در سال‌های اولیه زندگی، هویت‌های شکل گرفته در این مرحله از زندگی کمتر انعطاف‌پذیر بوده و از ثبات بیشتری بهره‌مند هستند. در نتیجه هویت‌های اولیه خویشتن^۱ و جنسیت در قیاس با سایر هویت‌های اجتماعی استحکام بیشتری دارند.

با توجه به مطالب بیان شده، خود یک هویت اولیه، بنیادی و الگوی است برای فهم هویت‌های بعدی در فرد و جنسیت در نحوه تشکیل خود نقشی تعیین‌کننده ایفا می‌کند چرا که به تجربیات فرد در طی زمان و مکان سامان می‌بخشد و آن‌را در خویشتن ادغام می‌کند (جنکینز، ۱۳۸۱: ۸۴).

همچنین بنا بر تعریف تاجفل سه بعد را برای هویت اجتماعی می‌توان در نظر گرفت: آگاهی، علاقه و آمادگی برای عمل و چنان که مشخص است این سه بعد با هم نگرش شخص را تشکیل می‌دهد، اما در راستای عضویت فرد در گروه نخستین بعد هویت اجتماعی فراهم آورنده آگاهی بر حدودی از اشتراک در باورها و ویژگی‌های مشترک است تا خود را در ما بازشناسیم. هویت‌یابی با این ما است که امکان می‌دهد هویت خاص روانی و جمعی و جنسیتی خود را تا حدودی دریابیم (روشه، ۱۳۷۰).

دومین بعد هویت اجتماعی، گرایش مثبت و علاقه و جذب به دورن گروه است که به درستی آن را اساس هویت نیز دانسته‌اند (احمدلو، ۱۳۸۱). به دیگر سخن همدلی یا احساس تعلق مشترک خمیر مایه اصلی ما و فقدان حداقلی از آن به معنی اضمحلال ما به من‌ها به‌شمار



می‌رود (چلبی، ۱۳۷۵). منظور از وجه ارزشی و احساسی هویت در تعریف تاجفل نیز همین علاقه و جذب به دورن گروه است که با نوعی احساس تعهد (رابطه‌ای) همراه است و سومین بعد هویت اجتماعی را تشکیل می‌دهد و از آنجا که پیش از این بدان اشاره شد آمادگی برای عمل علاوه بر احساس تعلق، نیازمند احساس تعهد است زیرا نوعی احساس وظیفه به دیگران (به‌ویژه دیگران مهم) و وفاداری به ارزش‌ها، اهداف، انتظارات و ظرفیت‌های آن‌ها است (حبیبی: ۱۳۷۶)، و چنانچه اشاره شد، این تعهد چیزی نیست مگر علاقه، وابستگی و دلبستگی عاطفی است (حبیبی، ۱۳۷۶: ۱۲۹) که در واقع همین وابستگی عاطفی بر میزان انسجام و ثبات هویت جنسیتی فرد تأثیری مستقیم خواهد داشت. دوستان و همسالان از عوامل مؤثر تربیت نوجوان هستند. برخلاف رابطه نوجوان با پدر و مادر، رابطه با دوستان، رابطه‌ای همراه با تساوی و برابری و بر تفاهم متقابل استوار است. کودک و نوجوان، بسیاری از هنجارهای جامعه از جمله الگوی همکاری، دوستی و علاقه متقابل را از دوستان و همسالان یاد می‌گیرد. آنچه را که جامعه‌شناسان «اخلاق»، همکاری می‌نامند، نوجوان در جمع دوستان و همبازی‌های خود تمرین می‌کند. برخی از جامعه‌شناسان معتقد هستند که تأثیر افراد هم‌سن و سال عمیق‌تر از تأثیر بزرگسالان است. چرا که فاصله سنی زیاد، درک تلقینات بزرگان را برای کودک دشوار می‌سازد و توصیه‌های آن‌ها را برای او یک امر تحمیلی و تلقینی می‌کند که بدون فهم و درک باید آن‌ها را بپذیرد، ولی چیزهایی را که از دوستان هم‌سال فرامی‌گیرد، از طریق تفهیم و تفاهم بوده و در نتیجه ریشه‌دارتر است (حبیبی، ۱۳۷۶).

در سال ۱۹۷۸، ویلیام و گیلز، اولین نظریه هویت اجتماعی زنان را ارائه کرده‌اند؛ آن‌ها در پژوهش خود به این نتیجه رسیده‌اند که زنان موجوداتی هستند که کمترین امتیاز جنسی را داشته و هویت اجتماعی آن‌ها در مقایسه با مردان آشکار می‌شود به نظر ویلیام و گیلز هویت اجتماعی زنان با خصوصیات منفی و پست همراه می‌شود و زنان برای گریز از این تفاوت با مردان به دنبال کنش‌هایی برای توسعه یک احساس مثبت از این تفاوت‌ها هستند (ویلیام و گیلز: ۱۹۷۸: ۲۳)

به نظر آن‌ها زنان راهبردهای مثل تحریک اجتماعی را برای رسیدن به هدف خود به خدمت می‌گیرند و اگر سهم خود را از اجتماع نپذیرند ممکن است تصمیم بگیرند که پایگاه‌های فردی خود را به وسیله معانی فردی بالاتر ببرند و همچنین اگر به‌طور جمعی پایگاه

خود را نپذیرند ممکن است در جهت تثبیت یک هویت اجتماعی مثبت برای گروه کنش‌های انجام دهند، از جمله اهداف جنبش آزادی‌خواهی زنان همین امر بود که زنان در زمینه‌های وسیعی یک برابری ثابت در زمینه کاری و حقوقی و سیاست‌مداری با مردان داشته باشند.

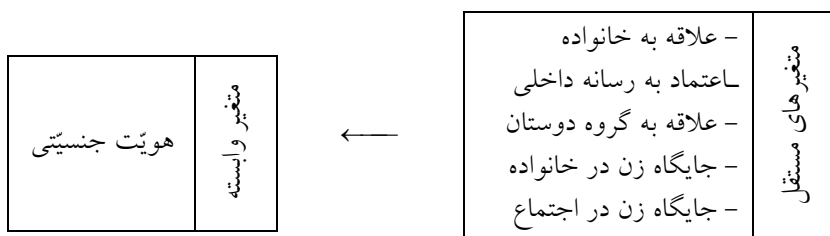
از آنجا که جنکینز معتقد است که هویت جنسیتی مربوط به رده‌بندی گروهی بوده و همواره از منظر بیرونی تعریف شده است، رسانه‌ها به مثابه شیوه تبادل نظر فرهنگی عمل کرده و انگیزه فکر کردن به اینکه مخاطبان چه کسی می‌خواهند باشند یا چه کسی بشوند را برای آن‌ها فراهم می‌کنند. رسانه‌ها دائماً به ما چیزهای متفاوتی می‌گویند و این وظیفه ماست که بین این پیام‌ها دست به انتخاب بزنیم (گینبز و بوریمر، ۱۳۸۱). با مرور ادبیات مربوط به هویت و هویت جنسیتی می‌توان گفت که منظور از هویت جنسیتی آن بخش از رفتارها و نگرش‌های فرد نسبت به جنسیت خویش است که تحت تأثیر شرایط فرهنگی اجتماعی شکل می‌گیرد.

در این پژوهش سعی بر آن بود که با ترکیب نظریات فوق چارچوب تئوریک مناسبی برای تبیین فرایند ثبات هویت جنسیتی ارائه شود که طی چه شرایط و تحت تأثیر چه عواملی رفتارها و نگرش فرد نسبت به جنسیت خویش متناسب با باورها و ارزش‌های جامعه خواهد بود لذا با توجه به توضیحاتی که در راستای این نظریات مطرح شد، می‌توان بیان کرد که تأکید اصلی در تمامی نظریات مطرح شده بر فرایند جامعه‌پذیری است که عمدتاً این فرایند از طریق نهاد خانواده، گروه همسالان و رسانه انجام می‌شود.

مدل پژوهش

بر اساس چارچوب نظری پژوهش، فرضیه‌های اساسی پژوهش، متغیرها و روابط بین آن‌ها در قالب مدل تجربی زیر ارائه می‌شود.

نمودار ۱: مدل تجربی پژوهش





فرضیه‌های پژوهش

مهم‌ترین فرضیه‌های مطرح شده در این پژوهش عبارت هستند از:

- ۱- بین علاقه دختران جوان به گروه دوستان و هویت جنسیتی دختران رابطه وجود دارد.
- ۲- بین علاقه دختران جوان به خانواده و هویت جنسیتی دختران رابطه وجود دارد.
- ۳- بین نظر دختران جوان نسبت به جایگاه زن در خانواده و هویت جنسیتی آن‌ها رابطه وجود دارد.
- ۴- بین نظر دختران جوان نسبت به جایگاه زن در اجتماع و هویت جنسیتی آن‌ها رابطه وجود دارد.
- ۵- بین اعتماد به رسانه داخلی و هویت جنسیتی دختران جوان رابطه وجود دارد.

روش پژوهش

روش پژوهش پیمایش بود. با توجه به جوان بودن جمعیت در کشور ما، جامعه آماری مورد بررسی از بین این گروه انتخاب شد. تغییرات رفتاری دختران در جامعه و حساسیت بیشتر جامعه و خانواده نسبت به آن‌ها، سبب شد که هویت جنسیتی در میان دختران جوان بررسی شود. برای بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر هویت جنسیتی در بین این گروه مطالعه به دختران مقطع دبیرستان ناحیه دو آموزش و پرورش شهرستان شیراز محدود شد. این ناحیه با توجه به بررسی انجام شده از نظر وضعیت اقتصادی و اجتماعی خانوارها تقریباً در حد متوسط ارزیابی می‌شود، بر اساس آمار آموزش و پرورش ناحیه دو شهرستان شیراز در سال تحصیلی ۸۵-۸۶، تعداد کل دانش‌آموزان دختر در مقطع متوسطه این ناحیه ۲۱۳۲۴ نفر بود. تعداد نمونه با توجه به حجم دانش‌آموزی دختران دبیرستانی ناحیه با فرمول کوکران برآورد شد.

با توجه به نبود چارچوب نمونه‌گیری دقیق از جامعه آماری، به ناچار از روش غیر احتمالی برای انتخاب نمونه استفاده شد. در مرحله اول سه محله از بین محلات این ناحیه با توجه به قدمت و ثبات نسبی جمعیت خانوارهای آن انتخاب شد. در مرحله بعد با در نظر گرفتن ملاک نوع مدرسه و پایه تحصیلی توزیع دانش‌آموزان نمونه در بین مدارس انتخاب شده با استفاده از روش سهمیه‌بندی مشخص شد. واحد تحلیل در آخرین مرحله دانش‌آموزان دختر

دبیرستان‌های انتخاب شده بود که به صورت اتفاقی با توجه به لیست کلاس‌ها انتخاب شدند و پرسشنامه‌های پژوهش را آن‌ها تکمیل کردند. حجم نمونه برآورد شده ۳۷۷ نفر بود که برای اطمینان حدود ۴۰۰ پرسشنامه تکمیل شد که همگی کامل و قابل استفاده بودند.

در پژوهش حاضر از اعتبار صوری استفاده شد که در این راستا با توجه به نظر اساتید و کارشناسان مربوطه اعتبار آن به دست آمده است و برای سنجش پایایی ابزار سنجش (پرسشنامه)، ضریب آلفای کرونباخ محاسبه شده است. به دلیل نبود الگویی ثابت برای سنجش نگرش یا عملکرد نسبت به جنسیت، در ساخت سازه هویت جنسیتی محقق تلاش کرده با در نظر گرفتن الگوها و رفتارهای فرهنگی اجتماعی مورد نظر جامعه به تنظیم گویه‌های لازم اقدام کند. برای اعتبار بخشی به ابزار مورد استفاده از نظرات کارشناسانی استفاده شد که در این زمینه کار پژوهشی انجام داده بودند.

برای اندازه‌گیری هویت جنسیتی از طیف لیکرت (پنج قسمتی) با تعداد ۸ گویه استفاده شد. آلفای کرونباخ برای هویت جنسیتی با تعداد ۸ گویه برابر ۰/۷، برای علاقه به خانواده با تعداد ۶ گویه برابر ۰/۹۳، برای علاقه به دوستان با تعداد ۷ گویه برابر ۰/۸۲، برای جایگاه زن در خانواده با تعداد ۴ گویه برابر ۰/۶۴ و برای جایگاه زن در اجتماع با تعداد ۶ گویه برابر ۰/۶۷ و در نهایت برای اعتماد به رسانه‌های داخلی با تعداد ۴ گویه برابر ۰/۷۹ به دست آمده است.

برای نمونه می‌توان به شاخص هویت جنسیتی اشاره کرد:

از آنجا که از اصطلاح هویت جنسیتی معمولاً برای توصیف فرایند پیچیده رشد استفاده می‌شود، فرایندی که شامل مؤلفه‌هایی نظیر ترجیح نقش جنسیتی^۱، شناسایی نقش‌های جنسیتی^۲، سوگیری نقش جنسیتی^۳، انطباق نقش جنسیتی^۴ و شناخت معیارهای نقش مبتنی بر جنس^۵ است. ترجیح نقش جنسیتی عبارت است از تمایل فرد به انطباق با رفتارهای زنانه یا مردانه یا ادراک فرد از رفتار مردانه یا زنانه به‌عنوان نقش ترجیحی یا نقش مورد علاقه،

1. Gender role Preference
2. Gender role identification
3. Gender role orientation
4. Gender role adoption
5. Knowledge of sex determined role standards



شناسایی نقش جنسیتی عبارت است از مشارکت در نقش‌های زنانه یا مردانه و شناسایی ویژگی‌های رفتاری یک نقش خاص، سوگیری نقش جنسیتی عبارت است از پذیرش کلیشه‌های نقش جنسیتی زن و مرد و انطباق نقش جنسیتی عبارت است از نقش غالب یک فرد که معمولاً بدون در نظر گرفتن تمایلات فرد به عنوان نقش ویژه یک جنس تلقی می‌شود؛ این متغیر با استفاده از طیف لیکرت سنجیده می‌شود. در جدول ۱ توزیع درصد گویه‌هایی توضیح داده شد که برای سنجش هویت جنسیتی استفاده شده‌اند، این طیف از گزینه کاملاً مخالف تا کاملاً موافق امتیازبندی شده است که به کاملاً مخالف امتیاز ۱ و به کاملاً موافق امتیاز ۵ داده می‌شود. در این میان گویه ۵ جهت امتیاز آن مخالف است. به این معنی که در این گویه‌ها به گزینه کاملاً مخالف امتیاز ۵ و به گزینه کاملاً موافق امتیاز ۱ داده می‌شود. جمع نمرات ۸ گویه هویت جنسیتی دختران را نشان می‌دهد که می‌تواند بین نمره ۸ (حداقل نمره) و نمره ۴۰ (حداکثر نمره) در نوسان باشد. هر چقدر نمره به ۸ نزدیک‌تر باشد هویت جنسیتی را ضعیف‌تر (بی‌ثبات‌تر) منعکس می‌کند و هر چقدر به ۴۰ نزدیک‌تر باشد نشان‌دهنده هویت جنسیتی قوی‌تر (پایدارتر) آنهاست. به عنوان مثال در رابطه با گویه اول که حکایت از سنجش بعد هویت جنسیتی دارد، ۷ درصد از پاسخگویان گزینه کاملاً مخالف، ۱۰/۵ درصد گزینه مخالف، ۱۸/۸ درصد گزینه نظری ندارم ۳۹/۸ درصد گزینه موافق و ۲۳/۵ درصد نیز گزینه کاملاً موافق را انتخاب نموده‌اند. در کل با نگاهی به پاسخ‌های داده شده به گویه‌های هویت جنسیتی می‌توان ملاحظه کرد که میزان هویت جنسیتی پاسخگویان قوی (پایدار) است. با در نظر گرفتن میانگین پاسخ‌های افراد به این گویه‌ها می‌توان دید که بیشترین میانگین مربوط به گویه سوم است و افراد بیشتر با این گویه موافق بوده‌اند و کمترین میانگین نیز مربوط به گویه هفتم بوده و افراد بیشتر با این گویه مخالف بوده‌اند. در این بین گویه شماره پنجم جهت امتیاز منفی نسبت به سایر گویه‌های مطرح شده دارند و در سنجش هویت جنسیتی دختران امتیازبندی آن برعکس است.

جدول ۱: توزیع درصد فراوانی گویه‌های مطرح شده برای سنجش هویت جنسیتی

میانگین	کاملاً	مراعات	مراعات	نظری ندارم	مخالفت	کاملاً مخالف	الف: گویه‌های هویت جنسیتی
۳/۶۳	۲۳/۵	۳۹/۸	۱۸/۸	۱۰/۵	۷	۱- به عنوان یک دختر نسبت به خصوصیات زنانه خود احساس خوبی دارم.	
۳/۵۳	۳۴	۲۷/۵	۸/۸	۱۶/۵	۱۳	۲- احساس نمی‌کنم به خاطر دختر بودنم فرصت‌ها و موقعیت‌های خوبی را در زندگی از دست داده باشم.	
۴/۰۵	۳۹/۵	۳۷/۸	۱۴/۳	۵/۵	۳	۳- به عنوان یک زن آینده‌روشنی برای خود متصورم.	
۳/۷۰	۳۴/۵	۲۹/۳	۱۸/۳	۸	۱۰	۴- از این که به عنوان یک دختر خصوصیات متمایز کننده‌ای نسبت به پسران در من وجود دارد احساس خرسندی می‌کنم.	
۳/۸۱	۱۴/۵	۶/۳	۱۳/۵	۱۵/۸	۵۰	۵- اگر می‌توانستم به یک پسر تغییر جنس می‌دادم.	
۳/۶۷	۲۸	۳۵	۱۹	۱۱/۵	۶/۳	۶- عواطف من نقطه ضعف من به شما می‌رود.	
۳/۴۳	۲۷/۸	۲۵/۸	۲۲/۸	۹	۱۴/۸	۷- اگر نتوانم در طول زندگی حس مادری را تجربه کنم احساس بدی خواهم داشت.	
۳/۵۸	۳۶/۳	۲۲/۵	۱۶/۵	۱۲/۵	۱۲/۳	۸- احساس نمی‌کنم باید خصوصیات مردانه داشته باشم تا در اجتماع موفق به نظر برسم.	
		۲۹/۴				جمع میانگین	

یافته‌های پژوهش

داده‌های پژوهش حاصل از پرسشنامه‌هایی است که ۴۰۰ نفر از دانش‌آموزان مقطع دبیرستان‌های ناحیه دو شهر شیراز تکمیل کردند و اساس تجزیه و تحلیل یافته‌های پژوهش حاضر قرار گرفته است. تجزیه و تحلیل داده‌ها به وسیله شاخص‌های آمار توصیفی، جداول متقاطع ضرایب همبستگی، رگرسیون چند متغیره و تحلیل مسیر انجام شد. از آنجا که جامعه آماری در پژوهش حاضر دختران دبیرستان‌های ناحیه دو شهر شیراز بودند که سنین ۱۴ - ۱۷



سال شامل می‌شود و از میان این به نسبت دبیرستان‌های معمولی، نمونه دولتی و غیرانتفاعی ناحیه دو شهر شیراز پنج دبیرستان به صورت اتفاقی یک دبیرستان غیرانتفاعی و یک دبیرستان نمونه دولتی و سه دبیرستان عادی انتخاب شده است.

ابتدا توضیح مختصری پیرامون متغیرهای مستقل ارائه می‌شود:

علاقه به خانواده: عمق پیوند و میزان تعلق و اعتماد فرد به خانواده را نشان می‌دهد. این متغیر با طیف لیکرت با شاخصی ۶ گویه ای سنجیده شده است.

میزان اعتماد فرد به گروه دوستان: این متغیر نشان‌دهنده رابطه عمیق فرد با گروه دوستان خود است که به عنوان اصلی‌ترین مرجع، جوان تلاش دارد اکثر اوقات خود را با آن‌ها سپری کند. این متغیر نیز با طیف لیکرت با شاخصی ۷ گویه‌ای سنجیده شده است.

نظر فرد نسبت به جایگاه زن در خانواده و جامعه: این متغیر به نقش‌های بر می‌گردد که جامعه در طی تاریخ برای زنان تعریف کرده‌اند و این خود به این نکته اشاره دارد که این نقش‌های تعریف شده بر اساس توانمندی‌های زنان بوده یا صرفاً بر اساس ضعیف پنداشتن آن‌ها در انجام‌دادن امور خطیر. این متغیر نیز با طیف لیکرت با شاخصی ۱۰ گویه‌ای سنجیده شده است.

میزان اعتماد فرد به رسانه‌های داخلی: این متغیر بیان‌کننده تعداد ساعتی است که افراد در طی شبانه روز به طور متوسط صرف استفاده از این رسانه ارتباطی می‌کنند و چه میزان به مطالب ارائه شده توسط آن اعتماد دارند مانند: تلویزیون، رادیوهای داخلی، روزنامه و مجلات. این متغیر (میزان زمان استفاده از رسانه) به صورت سؤال باز و در مقیاس نسبی سنجیده شده و میزان اعتماد به رسانه داخلی نیز با طیف لیکرت با شاخصی ۴ گویه‌ای سنجیده شده است.

در جدول ۲ توزیع درصد فراوانی گویه‌هایی توضیح داده شده‌اند که برای سنجش میزان علاقه نوجوانان به خانواده استفاده شده‌اند. این طیف از گزینه کاملاً مخالفم تا کاملاً موافقم امتیازبندی شده است که به کاملاً مخالفم امتیاز ۱ و به کاملاً موافقم امتیاز ۵ داده می‌شود. جمع نمرات ۶ گویه میزان علاقه فرد به اعضای خانواده را نشان می‌دهد که می‌تواند بین نمره ۶ (حداقل نمره) و نمره ۳۰ (حداکثر نمره) در نوسان باشد. هر چقدر نمره به ۶ نزدیک‌تر باشد علاقه فرد به اعضای خانواده را کمتر منعکس می‌کند و هر چقدر به ۳۰ نزدیک‌تر باشد نشان‌دهنده علاقه بالای فرد به اعضای خانواده است. در کل با نگاهی به پاسخ‌های داده شده به

گویه‌های علاقه دختران به خانواده می‌توان ملاحظه کرد که میزان علاقه افراد به اعضای خانواده پاسخگویان بالاتر از حد انتظار است. با در نظر گرفتن میانگین پاسخ‌های پاسخ‌گویان به گویه‌های این طیف می‌توان این‌گونه دید که بیش‌ترین میانگین مربوط به گویه پنجم و کم‌ترین آن نیز مربوط به گویه اول است. این قضیه به این معناست که پاسخ‌گویان از بین گویه‌های مربوط به سنجش علاقه به خانواده بیشتر با گویه پنجم موافق بوده و کمتر با گویه اول موافق هستند. همان‌طور که مشاهده می‌شود گویه شماره ششم دارای جهت امتیاز منفی نسبت به سایر گویه‌های مطرح شده هستند و در سنجش اعتماد به خانواده دختران امتیازبندی آن برعکس است.

جدول ۲ توزیع درصد فراوانی گویه‌های مطرح شده برای سنجش میزان علاقه فرد به خانواده

کاملاً مخالفم	مخالفم	نظری ندارم	موافقم	کاملاً موافقم	نمی‌دانم	ب: گویه‌های اعتماد به خانواده
۴/۳	۱۳/۳	۱۰/۸	۴۲	۲۹/۸	۳/۸۰	۱- خانواده من به خوبی مسائل مرا درک می‌کنند.
۱/۳	۳/۳	۸/۸	۳۹/۸	۴۷	۴/۲۸	۲- خانواده‌ام برای شخصیت من احترام قائل هستند.
۲/۳	۵/۸	۱۰/۳	۳۴/۸	۴۷	۴/۱۸	۳- خانواده‌ام در مورد مسائل مربوط به من با خودم مشورت می‌کنند.
۱/۸	۲/۳	۸	۳۲/۵	۵۵/۵	۴/۳۸	۴- من در کنار خانواده خود احساس خوشبختی می‌کنم.
۰/۵	۰/۳	۵/۸	۲۶/۵	۶۷	۴/۵۹	۵- من عقیده دارم اعضای خانواده‌ام خیرخواه من هستند.
۵۴/۵	۲۱/۸	۱۰	۸	۵/۸	۴/۱۱	۶- خانواده من بدون توجه به نظر من برای من تعیین تکلیف می‌کنند.
		۲۵/۳۴				جمع میانگین

در جدول ۳ توزیع درصد فراوانی گویه‌هایی توضیح داده شده‌اند که برای سنجش میزان اعتماد و علاقه فرد به گروه دوستان استفاده قرار شده‌اند. جمع نمرات ۷ گویه میزان علاقه فرد به گروه دوستان را نشان می‌دهد که می‌تواند بین نمره ۷ (حداقل نمره) و نمره ۳۵ (حداکثر نمره) در نوسان باشد. هر چقدر نمره به ۷ نزدیک‌تر باشد علاقه فرد به برقراری رابطه با گروه دوستان را کمتر منعکس می‌کند و هر چقدر به ۳۵ نزدیک‌تر باشد نشان‌دهنده علاقه بالای فرد



به برقراری رابطه هر چه عمیق‌تر با گروه دوستان است. در کل با نگاهی به پاسخ‌های داده شده به گویه‌های علاقه دختران به گروه دوستان می‌توان ملاحظه کرد که میزان علاقه افراد به برقراری رابطه با گروه دوستان در پاسخگویان در حد متوسطی است. با در نظر گرفتن میانگین پاسخ‌های پاسخ‌گویان به گویه‌های این طیف می‌توان این‌گونه دید که بیشترین میانگین مربوط به گویه ششم و کم‌ترین آن نیز مربوط به گویه دوم است. بر اساس نتایج به‌سبب آمده گویه‌های پنجم و ششم دارای جهت امتیاز منفی نسبت به سایر گویه‌های مطرح شده هستند و در سنجش علاقه به دوستان در دختران امتیازبندی آن‌ها برعکس است.

جدول ۳: توزیع درصد فراوانی گویه‌های مطرح شده برای سنجش علاقه فرد به گروه دوستان

کاملاً مخالف	مخالف	خنثی ندارم	مؤید	کاملاً مؤید	بی‌تفاوت	پ: گویه‌های اعتماد و علاقه به دوستان
۱۱/۵	۲۲/۸	۳۱	۳۷	۷/۸	۲/۹۷	۱- من بیشتر تمایل دارم با دوستانم باشم تا با خانواده‌ام.
۲۵	۳۸/۵	۱۹/۵	۱۵/۳	۱/۵	۲/۳۰	۲- در حل مشکلات راهنمایی دوستانم بیشتر از خانواده برای من راهگشاست.
۷/۵	۲۲/۳	۲۶	۲۸/۳	۱۵/۵	۳/۲۲	۳- با دوستانم بیشتر از هر کسی به من خوش می‌گذرد.
۱۲/۳	۲۳/۸	۲۶/۸	۲۵/۸	۱۱/۳	۳	۴- اگر دوستان من برنامه‌ای داشته باشند من ترجیح می‌دهم در برنامه آن‌ها شرکت کنم تا با خانواده‌ام باشم.
۸/۵	۲۱/۸	۲۰	۳۲/۵	۱۶/۵	۲/۷۳	۵- تا ضرورتی ایجاب نکند از جمع خانواده خارج نمی‌شوم.
۵۰/۳	۳۱/۳	۱۱/۸	۴/۵	۲/۳	۴/۲۳	۶- به نظر من هر کس باید تنها با بستگان درجه اول و دوم خود رابطه داشته باشد تا با دوستانش.
۱۰/۵	۲۴	۱۵/۸	۲۲/۵	۲۷/۳	۳/۳۲	۷- بعضی معتقداند، آن‌ها باید با همه اطرافیان خود ارتباط گسترده برقرار کند.
		۲۱/۷۷				جمع میانگین

بررسی فرضیه‌ها

بررسی فرضیه‌های پژوهش با استفاده از روش‌های آماری ضریب همبستگی پیرسون^۱ انجام

1. Pearson Correlation

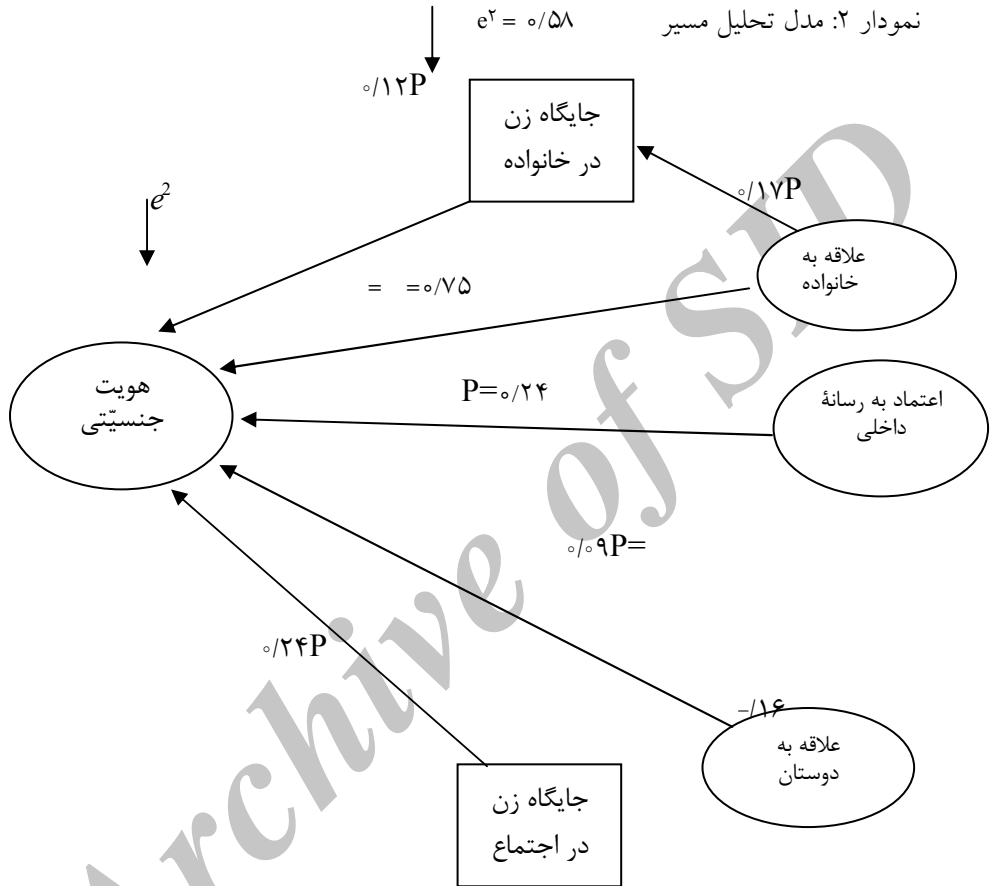
شده است. جدول ۳ ضریب همبستگی پیرسون برای متغیرهای مستقل در سطح سنجش فاصله‌ای با متغیر وابسته هویت جنسیتی دختران را نشان می‌دهد. همان‌گونه که آمارهای جدول نشان می‌دهد بین متغیرهای علاقه به دوستان ($r = -0/33$) و هویت جنسیتی رابطه منفی و معناداری وجود دارد همچنین بین میزان علاقه فرد به خانواده ($r = 0/33$)، جایگاه زن در خانواده ($r = 0/12$)، جایگاه زن در اجتماع ($r = 0/26$)، با هویت جنسیتی دختران رابطه مثبت و معنادار و در نهایت میزان اعتماد به رسانه‌های داخلی ($r = 0/136$) بر میزان ثبات و پایداری هویت جنسیتی دختران تأثیر معنادار و مثبتی دارد.

جدول ۴: بررسی رابطه بین علاقه به دوستان، علاقه به خانواده، دیدگاه فرد نسبت به جایگاه زن در خانواده و اجتماع و میزان اعتماد به رسانه‌های داخلی با هویت جنسیتی

متغیرها	میانگین	انحراف معیار	ضریب پیرسون	سطح معناداری
علاقه به دوستان	۱۹/۲۷	۵/۷۲	-۰/۳۳	۰/۰۰۰
علاقه به خانواده	۲۵/۳	۴/۴	۰/۳۳	۰/۰۰۰
جایگاه زن در خانواده	۱۵/۰۷	۲/۶۷	۰/۱۲	۰/۰۱۶
جایگاه زن در اجتماع	۲۱/۶۲	۳/۱۹	۰/۲۶	۰/۰۰
اعتماد به رسانه‌های داخلی	۸/۶۳	۲/۵۷	۰/۱۳۶	۰/۰۰۷

مدل ساختاری رابطه بین متغیرهای مستقل و متغیرهای وابسته

ارزیابی مدل ساختاری پژوهش با استفاده از رگرسیون چند متغیره انجام شد. مدل تجربی پژوهش یک مدل علی از نوع تحلیل مسیر است. نکته حائز اهمیت در مدل‌های تحلیل مسیر آن است که با استفاده از این مدل‌ها می‌توان به حجم عظیمی از اطلاعات دست یافت که می‌تواند روابط علی ارزشمندی را بیان کند. برای رسم مدل مسیر از ضریب مسیر استفاده شده است که مقدار T آن‌ها در سطح معناداری قرار دارد. ضریب مسیر در این مدل نماینده شدت روابط بین دو متغیر با ثابت نگه داشتن اثر متغیرهای دیگر موجود در مدل است. در ضمن فلش‌های اضافی که از بیرون به متغیرها هدایت شده‌اند، به مقداری از واریانس توضیح داده نشده برای هر متغیر برمی‌گردد، که کنترل آن‌ها از توان محقق خارج بوده است (رجوع شود به نمودار ۲)



جدول ۵ مربوط به تحلیل چند متغیره متغیرهای مستقل برای پیش‌بینی متغیر هویت جنسیتی است. در اینجا کل متغیرهای مستقل به شیوه گام به گام وارد معادله شدند. همان‌طور که در جدول ۴ ملاحظه می‌شود، آزمون T نشان می‌دهد که ضریب بتا برای این دو متغیر حداقل در سطح ۹۵ درصد اطمینان از لحاظ آماری معنادار است. نتایج حاصله نشان می‌دهد که بین این دو متغیر و هویت جنسیتی همبستگی بالا و معنادار وجود دارد، به این معنا که هر چه علاقه فرد به خانواده بیشتر می‌شود هویت جنسیتی آن‌ها نیز افزایش می‌یابد، همچنین هر چه علاقه فرد به دوستان افزایش می‌یابد میزان ثبات و پایداری هویت جنسیتی در آن‌ها کاهش می‌یابد. به‌طور کلی این دو متغیر به میزان ۱۷ درصد از تغییرات متغیر وابسته هویت جنسیتی را

پیش‌بینی می‌کند ($R^2 = 0/17$).

جدول ۵: کل عناصر متغیرهای مستقل درون معادله برای پیش‌بینی هویت جنسیتی

مرحله	نام متغیرها	ضریب B	ضریب Beta	آزمون T	Sig.T	R^2
اول	علاقه به خانواده	0/336	0/351	4/83	0/00	0/10
دوم	علاقه به دوستان	-0/175	-0/167	-3/07	0/002	0/07

با توجه به مدل مسیر می‌توان گفت در میان شاخص‌های گنجانده شده در مدل، بیشترین تأثیر مستقیم بر هویت جنسیتی توسط متغیر اعتماد به خانواده است. چنانچه ضریب مسیر نشان می‌دهد، متغیر اعتماد به خانواده توانسته است در مرحله اول وارد مدل شود. وزن بتا برای این متغیر در مرحله ورود مستقیم برابر ($Beta = 0/336$) بوده است، متغیر بعدی متغیر مستقل علاقه به دوستان است که توانسته بعد از علاقه به خانواده بیشترین تأثیر مستقیم را بر هویت جنسیتی بگذارد. وزن بتا برای این متغیر در مرحله ورود مستقیم برابر ($Beta = 0/414$) است.

جدول ۶: اثرات مستقیم، غیر مستقیم و کل متغیرهای مستقل و واسطه‌ای بر هویت جنسیتی

متغیرها	اثر مستقیم	اثر غیر مستقیم	اثر کل
علاقه به خانواده	0/24	0/10	0/34
جایگاه زن در اجتماع	0/24	-	0/24
علاقه به دوستان	-0/16	-	-0/16
جایگاه زن در خانواده	0/12	-	0/12
اعتماد به رسانه داخلی	0/09	-	0/09

با توجه به مدل مسیر می‌توان گفت در میان شاخص‌های گنجانده شده در مدل، بیشترین تأثیر مستقیم بر هویت جنسیتی توسط دو متغیر، متغیر واسطه‌ای نظر مثبت فرد نسبت به جایگاه زن در اجتماع و متغیر اصلی میزان علاقه به اعضای خانواده مشخص شده است. چنانچه ضریب بتا نشان می‌دهد، متغیر علاقه به خانواده توانسته در مرحله اول وارد معادله شود. وزن بتا برای این متغیر در مرحله ورود مستقیم برابر ($Beta = 0/24$) بوده است، که بیشترین درصد از تغییرات متغیر وابسته را پیش‌بینی می‌کند. به این معنا که هر چه میزان علاقه دختران



به خانواده خود بیشتر بوده نمره هویت جنسیتی (میزان پایداری و ثبات هویت جنسیتی در آن‌ها) نیز بیشتر می‌شود. متغیر دیدگاه مثبت فرد نسبت به جایگاه زن در اجتماع توانسته است در مرحله دوم وارد مدل شود. وزن بتا برای این متغیر در مرحله ورود مستقیم برابر $(\beta = 0/24)$ بوده است، که بیشترین درصد از تغییرات متغیر وابسته را تبیین می‌کند. به این معنا که هر چه دختران نظر مثبت‌تری نسبت به جایگاه زن در اجتماع داشته باشند نمره بالاتری از هویت جنسیتی خود کسب می‌کنند. متغیر دیگر متغیر مستقل میزان علاقه فرد به دوستان است. وزن بتا برای این متغیر در مرحله ورود مستقیم برابر $(\beta = -0/16)$ بوده است، به این معنا که هر چه میزان علاقه فرد به گروه دوستانش بیشتر شود بر میزان ثبات و پایداری و قدرت هویت جنسیتی او تأثیر منفی می‌گذارد. متغیر دیگر، متغیر دیدگاه فرد نسبت به جایگاه زن در اجتماع است. وزن بتا برای این متغیر در مرحله ورود مستقیم برابر $(\beta = 0/12)$ و در نهایت میزان اعتماد به رسانه‌های داخلی با وزن بتا برای این متغیر در مرحله ورود مستقیم برابر $(\beta = 0/09)$ است. اثرات مستقیم، غیرمستقیم و کل متغیرهای مستقل بر متغیر هویت جنسیتی در جدول ۶ نشان داده شده است.

بحث و نتیجه‌گیری

بر اساس یافته‌های پژوهش رابطه معناداری بین متغیر نظر فرد نسبت به جایگاه زن در خانواده $(r = 0/121)$ ، جایگاه زن در اجتماع $(r = 0/262)$ میزان علاقه فرد به خانواده $(r = 0/326)$ و میزان علاقه فرد به گروه دوستان $(r = -0/325)$ با هویت جنسیتی وجود دارد. نتایج رگرسیون چند متغیره نشان می‌دهد که متغیر وابسته هویت جنسیتی مستقیماً تحت تأثیر متغیر علاقه به خانواده $(\beta = 0/336)$ قرار گرفته است و در مجموع این متغیر توانسته است مقدار ۱۷ درصد از تغییرات این متغیر وابسته را توضیح دهد. در مدل مسیر نیز متغیرهای مستقل علاقه به خانواده و علاقه به دوستان، جایگاه زن در اجتماع و اعتماد به رسانه‌های داخلی توانسته‌اند به صورت مستقیم تأثیر معناداری بر متغیر وابسته داشته باشند.

در دوران معاصر، تحت تأثیر جریان‌های نوگرایی و نوسازی هم‌باز اندیشی بیشتری در کنش‌ها و هویت‌های انسانی انجام می‌شود و هم‌نهادها و سازمان‌های مدرن و رده‌بندی‌های مستتر در آن‌ها نقش مؤثرتری در تحمیل هویت‌های بیرونی ایفا می‌کنند. و از آنجایی که فرایند

هویت‌یابی جریانی دو سویه و دیالکتیکی است در تحلیل هویت باید در کنار عوامل اجتماعی مؤثر در تشکیل خود و هویت شخصی (تعریف از خود) هم رده‌بندی‌ها و گروه‌بندی‌های نهادی و تخصیص آمرانه هویت‌ها به افراد مطالعه شود و هم دربارهٔ چگونگی تفسیر افراد از این رده بندی‌ها باید کنکاش شود.

هویت جنسیتی دختران از مجموع هویت‌های اجتماعی و شخصیتی آن‌ها تشکیل می‌شود، هویت اجتماعی تعریفی است که فرد بر اساس عضویت در رده‌بندی‌ها و گروه‌های گوناگون اجتماعی خود را تعریف می‌کند و هویت شخصی به تعریف بازاندیشانهٔ فرد از خودش اطلاق می‌شود.

تصویر فرد از خود و تعریفی که او از خودش ارائه می‌دهد، یعنی هویت شخصی، هویتی بنیادی و الگویی برای فهم همه هویت‌های بعدی است. از آنجا که گفته شد بسیاری از رده بندی‌ها و گروه‌بندی‌ها نهادی در اجتماع بر اساس جنسیت انجام می‌شود، جنسیت فرصت‌های تجربیات زندگی را تحت الشعاع قرار می‌دهد.

نتایج پژوهش در ارتباط با یافته‌های پژوهش‌های ساروخانی و همکاران (۱۳۸۳) در رابطه بین علاقه به خانواده و هویت جنسیتی، احمدی و همکاران (۱۳۸۹)، عریضی و همکاران (۱۳۸۵) و کامرون (۱۹۹۸) بین استفاده از رسانه‌های داخلی و خارجی، ماد پریر (۲۰۰۶) رابطهٔ بین ارتباط با دوستان و گروه همسالان، ذکائی (۱۳۸۵) توجه قرار کرده و به این نتیجه رسیده است که بین آن‌ها ارتباط وجود دارد و اما پژوهشی در زمینهٔ رابطهٔ نظر مثبت فرد نسبت به جایگاه زن در خانواده و اجتماع در پژوهش‌های داخلی و خارجی انجام نشده است. وجود این رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته تأیید کنندهٔ چارچوب نظری است که این فرضیات از آن‌ها استخراج شده است.

در این راستا مهم‌ترین پیشنهادات این مقاله به شرح زیر است:

۱- افزایش و ارتقاء عملکرد خانواده‌ها که در جریان مدرنیزاسیون جوامع به شدت تضعیف شده است در این راستا از چند جهت اثرگذار خواهد بود، از یک سو خانوادهٔ منسجم و دارای روابط مستحکم با یکدیگر که در آن نقش‌های والدین (پدری و مادری) به صورت عادلانه و متناسب با هویت انسانی هر فرد توزیع شده باشد در نتیجه آن شاهد بروز جایگاه متعالی زن در خانواده در موقعیتی مناسب و فعال فی نفسه در جهت



بالا رفتن نمره هویت جنسیتی دختران مؤثر است.

۲- همچنین نقش والدین نسبت به آموزش مهارت‌های ارتباطی به فرزندان خود که در تعاملات اجتماعی با گروه همسالان و دوستان قرار دارند باید نقش فعال باشد؛ در این زمینه جلسات آموزشی اولیاء و مربیان و استفاده از برنامه‌های مشاوره‌ای در مدارس و حتی صدا و سیما می‌تواند برای والدین راه‌گشا باشد و همچنین تشکیل کلاس‌های آموزشی مخصوص زوجین جوان در زمینه فرزندپروری و راه‌های برقراری ارتباط صحیح با آن‌ها نباید فراموش شود.

۳- با توجه به مؤثر بودن نظر مثبت دختران نسبت به جایگاه زن در اجتماع بر هویت جنسیتی آن‌ها که در پژوهش بررسی شده، پیشنهاد می‌شود که طی برنامه‌های متنوعی در مدارس از بانوان موفق در اجتماع دعوت به عمل آورده و آن‌ها را در تعامل مستقیم با دانش‌آموزان قرار دهند، همچنین در این راستا رسانه‌ها می‌توانند با تولید برنامه‌های مستند به شناساندن ابعاد متفاوت فردی و اجتماعی این افراد اقدام کنند.

۴- با توجه به شرایط کنونی اجتماع و تسلط روزافزون رسانه‌ها بر کلیه ابعاد روند اجتماعی شدن افراد در جامعه به خصوص در زمینه هویت جنسیتی دختران با توجه به نتایج حاصل از پژوهش‌های انجام شده در این زمینه که به تأثیر مستقیم رسانه‌ها بر هویت جنسیتی دختران تأکید داشتند؛ ضرورت توجه مسئولان دست‌اندرکار تولید و پخش رسانه ملی به این مبحث بسیار حائز اهمیت است. رسانه‌های ملی به خصوص صدا و سیما با استفاده از ابزارهای متنوعی که در این زمینه از آن‌ها بهره‌مند هستند توانایی ایجاد شناخت و بازشناسی و کنکاش در زمینه ابعاد مختلف هویت جنسیتی و ثبات و پایداری آن برای نوجوانان را دارند.

۵- همچنین نقش والدین نسبت به آموزش مهارت‌های ارتباطی به فرزندان خود که در تعاملات اجتماعی با گروه همسالان و دوستان قرار دارند باید نقش فعال باشد؛ در این زمینه جلسات آموزشی اولیاء و مربیان و استفاده از برنامه‌های مشاوره‌ای در مدارس و حتی صدا و سیما می‌تواند برای والدین راه‌گشا باشد و همچنین تشکیل کلاس‌های آموزشی مخصوص زوجین جوان در زمینه فرزندپروری و راه‌های برقراری ارتباط صحیح و شناخت ابعاد جنسیت با آن‌ها نباید فراموش شود.

منابع

- احمدلو، حبیب (۱۳۸۱). «بررسی رابطه میزان هویت ملی و هویت قومی در بین جوانان تبریز». پایان نامه کارشناسی ارشد جامعه شناسی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه تربیت مدرس.
- احمدی، حبیب، هاشمی، سمیه و روحانی، علی (۱۳۸۹). «بررسی رابطه وسایل ارتباطی نوین با هویت جنسیتی جوانان شهر شیراز». فصلنامه علمی- پژوهشی زن و جامعه، سال اول، شماره چهارم.....
- احمدی، حبیب (۱۳۷۷). نظریه‌های انحراف اجتماعی، شیراز: رز.
- بستان، حسین (۱۳۸۳). «بحران هویت، مسئله ای در ابعاد جهانی». نامه فرهنگ. سال سوم. شماره یک: ۴۳- ۴۱.
- جنکینز، ریچارد (۱۳۸۱). هویت اجتماعی. ترجمه: تورج یار احمدی. تهران: شیرازه.
- چلبی، مسعود (۱۳۷۵). جامعه شناسی نظم: تشریح و تحلیل نظری نظم اجتماعی. تهران: نی.
- حبیبی، محمد (۱۳۷۶). بررسی اخلاق کار در ایران. جلد اول، تهران، موسسه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- حسین زاده، علی و نیازی، امین (۱۳۸۸). «بررسی عوامل مؤثر هویت اجتماعی دانشجویان دختر دانشگاه شهید چمران اهواز». فصلنامه جامعه شناسی کاربردی. شماره ۳۵.
- خسروی، زهره (۱۳۸۲). مبانی روانشناختی جنسیت. تهران: قصیده سرا.
- ذکائی، سعید (۱۳۸۳). «جوانان و فراغت مجازی». فصلنامه مطالعات جوانان، شماره ۶.
- روشه، گی (۱۳۷۰). کنش اجتماعی. ترجمه هما زنجانی زاده، مشهد: دانشگاه فردوسی مشهد.
- رفعت جاه، مریم (۱۳۸۷). «ایترنت و هویت جنسیتی». مجله رسانه جهانی. تهران: دانشگاه تهران.
- ریتزر، جورج (۱۳۷۴). نظریه‌های جامعه شناسی. ترجمه: مهدوی و همکاران. تهران: دانشگاه شهید بهشتی.

- ساروخانی، باقر (۱۳۸۳). «زنان و باز تعریف هویت اجتماعی». *مجله جامعه شناسی ایران*. دوره پنجم، شماره ۱۳۳: ۹۱-۷۱.
- سیف الهی، سیف الله (۱۳۷۸). «عوامل اجتماعی مؤثر بر هویت جنسیتی زنان ایران». *پژوهش نامه علوم اجتماعی*، سال دوم، شماره سوم/ پاییز ۱۳۸۷.
- عریضی، فروغ السادات. فریدون، وحیدا. دانش، پروانه (۱۳۸۵). «ماهواره و هویت جنسیتی دختران جوان». *مجله جامعه شناسی ایران*. دوره هفتم. شماره دو. تابستان ۱۳۸۵: ۱۰۰-۷۶.
- فریدمن، جین (۱۳۸۱). *فمینیسم*. ترجمه فیروزه مهاجر. تهران: آشیان.
- قائم فر، حسین و حمایت خواه جهرمی، محبتی (۱۳۸۸). *بررسی تأثیر خانواده بر شکل گیری هویت جنسیتی دختران دانشجوی دانشگاه پیام نور جهرم*. پژوهش جوانان، فرهنگ و جامعه. شماره سوم پاییز ۱۳۸۸.
- گرت، استفانی (۱۳۸۲). *جامعه شناسی جنسیت*. ترجمه: مهرناز شهرآرای. تهران: ققنوس.
- گروسی، سعیده (۱۳۸۴). «بررسی تأثیر باورهای قالبی بر نابرابری جنسیتی، جمعیت مورد مطالعه زنان ساکن شهر کرمان و روستاهای پیرامون آن». پایان نامه دوره دکتری جامعه شناسی. شیراز: دانشکده علوم اجتماعی.
- گولومبوک، سوزان (۱۳۷۷). *رشد جنسیت*. ترجمه: مهرناز شهرآرای. تهران: ققنوس.
- گینز. جان آر/ بوریمر (۱۳۸۱). *سیاست پست مدرنیته*، ترجمه منصور انصاری، تهران، گام نو.
- گیدنز، آنتونی (۱۳۷۸). *تجدد و تشخیص: جامعه و هویت شخصی در عصر جدید*، ترجمه ناصر موفقیان، تهران: نی.
- مافی، مهرانگیز (۱۳۷۵). «هویت دینی». پایان نامه کارشناسی ارشد. تهران: دانشگاه الزهراء (س).

Bartlett, F.F.C. (1996). *Remembering: A study in Experimental and Social Psychology*. Cambridge University Press.

Bohner, Gerd. Sturm. Sabin. (1997). "Evolution aspects of social identity in woman and man". *Psychologische Beitrage*. Vol 39.

Cameron, J.E. (1998). "Social identity, modern sexism and perceptios of personal and group discrimination by woman and men". *Sex Roles*. Dec, PP: 1-13.

- Chodrow, N. (1974) "Family Structure & Feminine Personality", *Woman Culture & Society*, A Theoretical Overview. (ed.) Zimbalist & Lamphere, Stanford University Press.
- Donovan, T. J. (2000). *Feminist Theory, The Intellectual Traditions*, Continuum, New York, London.
- Doyle, J. A. & Paluldi, M. A. (1998). "Sex and Gender, and school success". *Sociology* (Ed). Vol. 75. No. 1. PP: 44-69.
- Dumais, J. A. (2002). "Cultural capital, gender, and school success". *Sociology* (Ed). Vol. 75, No. 1, PP: 44-69.
- Freedman, J. (2001). *Feminism*, Open University Press, Buckingham, Philadelphia.
- Goffman, E. (1976) *Gender Advertisements*, New York & London: Harper and Row.
- Giddens, Anthony. (1986). *Sociology*. London: Polity Press.
- Mischel, W. (1966). "A social learning view of sex differences in behavior". In E. E. Maccoby (ed), *The Development of Sex Differences*. Stanford: CA; Stanford university press.
- Perry, David G. (2007). "Gender stereotypes and Gender Identity as Interacting Influences on Children's self-concepts; A self-socialization model of Gender Development", *Ph.D Dissertation*, Florida: Atlantic university.
- Perrier, Moud. (2006). "Gender Media; The Influence of Media on views of gender". *Ph.D Dissertation*, London: Warwick university.
- Piaget, J. (1962). *Play Dreams and Imitation in Childhood*. New York; free press.
- Rozaldo, M. Z. (1974) "Woman, culture & society: A theoretical overview", Michelle Zimbalist & Louise Lamphere (ed.), *Woman, Cultural & Society*, Stanford University Press.



نویسندگان

iman@shirazu.ac.ir

دکتر محمد تقی ایمان

دارای دکترای جامعه‌شناسی و عضو هیأت علمی دانشگاه شیراز با مرتبه استادی از سال ۱۳۷۰ و دارای بیش از ۸۶ مقاله علمی و پژوهشی، چهار کتاب منتشر شده و علاقمند به حوزه روش‌شناسی علم.

f.haeri @ymail.com

فاطمه حائری

دارای مدرک کارشناسی پژوهشگری مطالعات اجتماعی و فارغ تحصیل جامعه‌شناسی محض در مقطع کارشناسی ارشد از دانشگاه شیراز و به مدت چهارسال دبیر درس مطالعات اجتماعی در مقطع دبیرستان. در ضمن مقاله‌ای تحت عنوان «بررسی عوامل فرهنگی اجتماعی مؤثر بر هویت جنسیتی دختران جوان» اردیبهشت ماه ۹۱ در کنگره بین‌المللی نقش زن در سلامت خانواده و جامعه در دانشگاه الزهراء (س) به صورت سخنرانی پذیرفته شد.

Archive of SID